

نوش آفرین انصاری (محقق)

برخی از منابع فارسی در پزشکی و داروشناسی*

گردآوری مجموعه‌ای جامع از منابع لازم برای پیشبرد آموزش و پژوهش در یک حوزه علمی خاص، یکی از مهمترین وظایف کتابداران در کتابخانه‌های تخصصی است. نیل به این هدف تنها در صورتی امکان پذیر است که در ذهن کتابدار، چشم اندازی روشن از رشد دانش و اطلاعات آن حوزه و شیوه‌های بررسی، گردآوری، و گسترش منابع مربوط به آن وجود داشته باشد. درگفتار حاضر، به صورتی بسیار فشرده، برخی از مهمترین منابع پزشکی و داروشناسی فارسی، به عنوان بخشی از یک مجموعه جامع، معرفی و - از لحاظ کتابشناختی - ارزیابی می‌شوند. و سپس، پیشنهادهایی برای پیشبرد مطالعات تاریخی پزشکی و داروشناسی عرضه خواهد شد. در بخش اول بیست و سه اثر منتشر شده - اعم از تألیف یا ترجمه - از چهارده طبیب و داروشناس مسلمان ایرانی، و یک طبیب مسیحی، از قرن سوم تا دوازدهم هجری قمری، به ترتیب تاریخ حیات مؤلفان آنها معرفی می‌شود. در بخش دوم کتابهای معرفی شده بخش اول، از لحاظ دارا بودن دو عنصر مفید کتابشناختی، یعنی مقدمه و فهرستهای راهنما بررسی خواهند شد. در بخش سوم با توجه به نقش اساسی کتابداران در تدارک منابع لازم برای پژوهشهای مربوط به پزشکی و علوم وابسته به آن، و شناخت تاریخ پزشکی و داروشناسی پیشنهادهایی ارائه شده است.

بخش اول. معرفی منابع

۱- ابوبکر محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۲۳ هـ) بزرگترین پزشک بالینی جهان اسلام است. در ری به دنیا آمد و در همان شهر درگذشت. او را صاحب قریب به ۲۷۰ اثر

* متن سخنرانی ایراد شده در «اولین سمینار کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در ایران»،

مشهد، ۱۶-۱۷ اسفند ۱۳۶۷.

* نگارنده از همکارگراسی آقای محمد هدائی به خاطر بازبینی مقاله و اشاره‌های مفید

سپاسگزار است.

خواننده‌اند که از آن جمله در حدود یکصد و اندی در طب است (محمود نجم‌آبادی ، «سیر و تحول علوم طبی در ایران ...» در گوشه‌ای از سیمای تاریخ تحول علوم در ایران (تهران: وزارت علوم و آموزش عالی ، ۱۳۵۵: ۵۲). سه اثر او در پزشکی به فارسی ترجمه و منتشر شده است: **منافع الاغذیه و مضارها، الجدری والحصبه، و قصص و حکایات المرضى**. **منافع الاغذیه** تحت عنوان **بهداشت غذایی یا منافع الاغذیه و مضارها**، به ترجمه و با مقدمه و حواشی دکتر سید عبدالمعلی علوی نایینی چاپ شده است (تهران: ۱۳۴۲). در این کتاب، علاوه بر ذکر خواص و فواید خوراکیهای گوناگون، طرق دفع ضرر آنها به وسیله غذاهای دیگر، یا داروهای بسیار ساده و ارزان نشان داده شده است (یج). ضمناً باید توجه داشت که به نظر رازی در بسیاری از موارد، رژیم غذایی بر دارو ترجیح دارد. در **الجدری والحصبه** (آبله و سرخک) که بسیاری از پژوهشگران تاریخ پزشکی آن را مهمترین اثر رازی شمرده‌اند ویژگیهای دو بیماری آبله و سرخک بررسی شده است. این کتاب با ترجمه ، حواشی ، و ملحقات ، به اهتمام دکتر محمود نجم‌آبادی چاپ شده است (تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۴۴ ، ۱۳۶۴). **الجدری والحصبه** در سال ۱۴۹۸ م به لاتین ترجمه شد و در ونیز به چاپ رسید. **قصص و حکایات المرضى** مجموعه‌ای از ۳۳ یا ۳۴ گزارش بالینی است که رازی در آنها روش درمانی خود را شرح می‌دهد. این حکایتها، که از **حاوی**، کتاب دیگر رازی استخراج شده ، با حواشی و ملحقات ، به اهتمام دکتر محمود نجم‌آبادی چاپ شده است (تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۴۳). ترجمه انگلیسی این گزارشها نیز تحت عنوان *Thirty Three Clinical Observations by Rhazes* در سال ۱۹۳۵ م منتشر شده است.

۲- ابونصیر موفق هروی داروشناس قرن چهارم هجری است که کتابی به نام **الابنیه عن حقایق الادویه** در داروشناسی ، به زبان فارسی گرد آورده است. این اثر، که بین سالهای ۳۰ تا ۳۶ هـ تألیف شده است ، ۵۸۴ داروی گیاهی ، سعدنی ، حیوانی و غذایی را معرفی و طبقه‌بندی می‌کند. ابنیه قدیمترین کتاب فارسی در داروشناسی است. نسخه منحصراً به فرد این اثر به خط اسدی طوسی به سال ۴۴۷ هـ کتابت شده است. ظاهراً خلاصه این اثر در سالهای ۱۸۳۰ و ۱۸۳۳ و متن کاسل آن، همراه با ترجمه آلمانی در سال ۱۸۵۹ منتشر شده است. این اثر در سال ۱۳۴۶ ش، به تصحیح احمد بهمنیار، و به کوشش حسین مجوبی اردکانی چاپ شد (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶). دکتر منوچهر امیری در **فرهنگ داورها و واژه‌های دشوار یا تحقیق درباره کتاب الابنیه عن حقایق الادویه** (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳) پس از مقدمه‌ای مبسوط، نام داروها را به صورت الفبایی، با سعادل‌های لاتین و فرانسه آورده است.

۳- ربیع بن احمد اخوینی بخاری از پزشکان مشهور قرن چهارم هجری است (در گذشته حدود ۳۷۳ هـ) که کتابی به نام **هدایة المتعلمین فی الطب** نوشته است. این کتاب در سال

۱۳۴۴، به اهتمام دکتر جلال ستینی به چاپ رسیده است (مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۴).
مصحح اثر درباره مؤلف کتاب چنین می نویسد: «خواننده در کتاب **هدایه** با عالمی به معنی حقیقی کلمه سروکار پیدا می کند که در آن روزگار به شیوه عالمان آزاده بی تعصب فقط به تجربه پرداخته و خود را به قبول اقوال گذشتگان مقید نساخته و مشاهدات و تجربیات دوران طولانی طبابت خود را در خصوص بیماران و خواص داروهای گوناگون در کتاب **هدایه** نوشته است» (دوازده). کهنترین نسخه موجود این اثر، که در کتابخانه بادلیان آکسفورد نگهداری می شود، در سال ۴۷۸ ه کتابت شده و از قدیمترین نسخ خطی موجود فارسی است.

۴- حکیم میسری (متولد سال ۳۲۴ ه) ظاهراً از پزشکان قرن چهارم هجری بوده است و منظومه ای از او مانده است به نام **دانشنامه** که در حدود ۴۴۰ بیت دارد و در آن بیماریها و درسان آنها را بیان کرده است. این کتاب اخیراً تحت عنوان **دانشنامه در علم پزشکی**، به اهتمام دکتر برات زنجانی منتشر شده است (تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۶). این اثر کهنترین مجموعه منظوم طبی فارسی است که به دست ما رسیده، تاریخ کتابت نسخه منحصر به فرد این اثر که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود، ۸۵۲ ه است. در مقدمه **دانشنامه در علم پزشکی**، دکتر مهدی محقق جنبه هایی از علم پزشکی در اسلام را مورد بررسی قرار داده است. لازم به تذکر است که استاد سعید نفیسی حکیم میسری را از پزشکان قرن هفتم دانسته است (تاریخ نظم و نثر در ایران، چاپ دوم (تهران: فروغی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۷۴۷).

۵- علی بن عباس سجوسی اهوازی، مشهور به اهوازی، طبیب بزرگ ایرانی است. در اهواز به دنیا آمد و در سال ۳۸۴ ه درگذشت. اثر بزرگ این دانشمند کتاب **کامل الصناعه الطیبیه المملکی**، مشهور به **طب ملکی** است که در زمان خود دایرة المعارف طب نظری و عملی بوده است. در این کتاب، که به نام عضدالدوله دیلمی نوشته شده است، از تشریح، فیزیولوژی، بیماری شناسی، داروسازی، و درسان سخن رفته است. **کامل الصناعه** در قرن پانزدهم میلادی به لاتین ترجمه شد و در ونیز به چاپ رسید. متن عربی آن نیز در مصر، در سال ۱۲۹۴ ه چاپ شده است. **آئین پزشکی یا پندنامه اهوازی**، ترجمه دکتر محمود نجم آبادی (تهران: پروین، ۱۳۲۰؛ دانشگاه تهران، ۱۳۳۴)، که برگرفته از باب دوم مقاله اول از کتاب اول **کامل الصناعه** است، حاوی اندرزها و وصایای پزشکان پیشین، از جمله سوگندنامه بقراط است که اهوازی خود نیز چیزهایی بر آن افزوده است.

۶- ابومنصور حسن بن نوح قمری بخاری از پزشکان نامدار قرن چهارم هجری بوده و در بخارا می زیسته است. می گویند ابن سینا در جوانی چندگاهی محضر این استاد را درک کرده است. بخاری کتابی به نام **التنوير**، در ترجمه و تفسیر اصطلاحات پزشکی به زبان فارسی

دارد که در آن نام بسیاری از بیماریها، درمناها، داروها، خوراکیها، طبایع و اعضای بدن را شرح و تعریف و تفسیر کرده است. این کتاب، ظاهراً نخست به عربی نوشته شده و سپس بی کم و کاست به فارسی ترجمه شده است. گفتنی است که تألیف به دو زبان عربی و فارسی در قرن چهارم بین دانشمندان رواج داشته است. **التنویر به تصحیح سید محمد کاظم امام** چاپ شده است (تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۲).

۷- **ابن سینا (۳۷۰-۴۲۷ یا ۴۲۸ هـ)** از اعظم و مشاهیر طب ایران است. در افشنه بخارا به دنیا آمد و در همدان درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. از این پزشک و دانشمند نامدار چند اثر فارسی به جا مانده که از آن جمله یکی در پزشکی است: **رگ شناسی یا رساله در نبض** که مؤلف در آن وضع نبض یا «رگ جنبان» و توازن و تناسب حرکت آن را مورد بررسی قرار داده است. تاریخ تألیف این اثر ظاهراً پس از ۱۲۴ هـ بوده است. این کتاب، به تصحیح، و با مقدمه و حواشی محمد مشکوة به چاپ رسیده است (تهران: ۱۳۱۶؛ انجمن آثار ملی، ۱۳۳۰).

کتاب دیگر **ابن سینا قانون** است، که در واقع خلاصه و چکیده دانش پزشکی تا زمان اوست. این اثر، به عنوان متن درسی، از قرن دوازدهم میلادی به بعد بارها در اروپا ترجمه و منتشر شده است. تفسیرها و ترجمه‌هایی نیز از این اثر به فارسی تهیه و تدوین شده است. کتاب اول از کتابهای پنجگانه **قانون** در سال ۱۲۵۶ هـ به فارسی ترجمه شده است. این نسخه، که اصل آن در کتابخانه سلی ایران محفوظ است، در سالهای اخیر (بعد از ۱۳۵۶) تحت عنوان **قانون ابن سینا** (کتاب اول) به صورت عکسی منتشر شده است.

هم اکنون ترجمه جدیدی از **قانون**، زیر عنوان **قانون در طب** توسط عبدالرحمن شرفکندی (هه‌زار) در دست انجام است و کتابهای اول، و دوم و بخش اول از کتاب سوم، و کتابهای چهارم و پنجم آن منتشر شده است (تهران: سروش، ۱۳۶۶). ترجمه کتاب اول **قانون** را دانشگاه تهران نیز منتشر کرده است (۱۳۵۷).

۸- **ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ هـ)** از بزرگترین دانشمندان ایران است. حرفه او پزشکی نبوده است. اما پژوهشهایی در فن داروشناسی دارد که در کتابی به نام **صیقل** یا **صیقل‌گرد** آورده است و از مهمترین آثار طبی فرهنگ اسلامی شمرده می‌شود. نسخه خطی منحصر به فرد متن عربی این کتاب در **پورسه** (ترکیه) موجود است. در مورد این کتاب مقالات متعددی به زبانهای اروپایی نوشته شده است. ترجمه انگلیسی (کراچی: ۱۹۷۳) و ترجمه روسی (ناشکند: ۱۹۷۳) این اثر نیز در دست است. ابوبکر علی بن عثمان کاسانی آن را در نیمه اول قرن هفتم به فارسی ترجمه کرده است. ترجمه کاسانی به کوشش منوچهر ستوده و ایرج افشار در دو جلد انتشار یافته است (تهران: ۱۳۵۷). تاریخ این نسخه ۷۳۷ هـ است.

۹- ابوالفرج علی بن الحسین بن هندو (درگذشته ۴۲۰ هـ)، از دانشمندان معروف نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است. اهل هندوچان قم بوده است و اینکه برخی از خاورشناسان او را از تبار هندی دانسته‌اند نادرست است. اثر مشهور این هندو **مفتاح الطب** و **منهاج الطلاب** است که در ده باب تدوین شده و به تاریخ طب و آداب دانشجویان این فن پرداخته است. **مفتاح الطب**، همراه با خلاصه و ترجمه فارسی، به اهتمام دکتر مهدی محقق و محمد تقی دانش پزوه به چاپ رسیده است (تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۶۸).

۱۰- ابن بطالان (درگذشته ۴۶۰ هـ) پزشکی مسیحی، از پزشکان قرن پنجم هجری است. اصلاً اهل بغداد بود. پس از سفرهای بسیار، در انطاکیه درگذشت. چند اثر در طب دارد که مهمترین آنها **تقویم الصحه** است. این کتاب، بیشتر از لحاظ ابتکاری که در طرز تألیف آن به کار رفته مورد توجه قرار گرفته است. زیرا مؤلف به جای آنکه شرح امراض و ریه علاج آنها را به تفصیل بیان کند مطالب را به صورت جدول آورده است. از جمله نکات قابل ملاحظه در این اثر، استفاده از حروف اختصاری برای نام طبیعی است که در کتاب مکرر از آنان یاد شده است، مثلاً برای بقراط، ج برای جالینوس، ف برای فارابی و غیره. **تقویم الصحه** در سال ۱۵۱۷، توسط مترجمی ناشناخته، به فارسی ترجمه شده است. ترجمه لاتین و آلمانی آن در سالهای ۱۵۳۱ و ۱۵۳۳ م در اروپا به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی این کتاب، به تصحیح دکتر شلامحسین یوسنی به چاپ رسید است (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰).

۱۱- سید اسماعیل جرجانی (۴۳۴-۵۳۱ هـ) از پزشکان مشهور ایرانی است. وی در جرجان (گرگان) متولد شد و در مرو درگذشت. چند اثر در زمینه پزشکی نوشته است که مهمترین آنها **ذخیره خوارزمشاهی** در کلیات طب است که در ۹ بخش (کتاب) تنظیم شده است. این کتاب، که از مهمترین متون پزشکی است، قرن‌ها به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گرفته است. گفته‌اند که جرجانی با تألیف این کتاب از سلطه و نفوذ زبان عربی در طب ایرانی کاسته است. **ذخیره** توسط خود مؤلف به عربی ترجمه شده است. برای چاپ **ذخیره** تاکنون کوششهایی به این شرح صورت گرفته است: در سال ۱۳۴۴، کتاب اول تحت عنوان **ذخیره خوارزمشاهی**، به کوشش محمد تقی دانش پزوه و ایرج افشار در دو جلد منتشر گردید (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۴). همین بخش از کتاب، بار دیگر به اهتمام دکتر محمد حسین اعتمادی، دکتر محمد شهاد و دکتر جلال مصطفوی چاپ شد و کتاب دوم و قسمت اول کتاب سوم نیز به اهتمام دکتر جلال مصطفوی به چاپ رسید (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۴، ۱۳۴۹، ۱۳۵۴). چاپ عکسی نیز از روی نسخه خطی کتابت شده در سال ۵۶۰۳ هـ،

به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی در دسترس قرار گرفته است (تهران: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۵). جرجانی تلخیصی از ذخیره خوارزمشاهی، تحت عنوان کتاب الاغراض الطیبه والمباحث العلائیه فراهم آورده است. این کتاب نیز به فارسی چاپ شده است (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵).

۱۲- امام رضا علیه السلام نیز کتابی در زمینه طب دارد که به رساله ذهبیه مشهور است. ابوهارون بن موسی تلعهکبری روایت کرده است که وقتی که حضرت امام رضا (ع) از مدینه به طوس می آمد، در نیشابور در مجلس مأمون با جماعتی از فلاسفه و ستطیبان، همچون یوحنا بن ماسویه و جبرئیل بن بختیشوع و ابن بهله هندی و دیگر کسانی که به حیاة فضل آراسته بودند گرد آمدند و سخن از طب و آنچه که به صلاح بدن می انجامد به میان آمد و وقتی که مأمون در این باره از حضرت رضا سؤال کرد حضرت فرمود: برای من به سرور تجربیاتی حاصل گشته که آن را برای امیر می نویسم. و وقتی مأمون استدعای انجام داد حضرت کتابی را درباره امور پزشکی نوشت و برای او فرستاد. وقتی مأمون آن را خواند فرمان داد تا آن را با طلا بنویسند و به «رساله ذهبیه» موسوم گردانند (نقل به اختصار از الرساله الذهبیه المعرفه بطب الامام رضا (ع)، تحقیق محمد مهدی. نجف، قم: مکتبه الامام الحکیم العابدی، ۱۴۰۲، ص ۴ به بعد متن). این اثر همواره مورد توجه بوده و شرح و ترجمه های متعددی از آن در دست است. از جمله ترجمه ابوعلی حسن بن ابراهیم سلماسی، که نسخه ای از آن، به تاریخ ۶۱۴ هـ، در کتابخانه فاتح استانبول مضبوط است، و تحت عنوان «رساله ذهبیه در علم طب» به کوشش دکتر مهدی درخشان، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۲۵ (۱-۴) پاییز ۱۳۶۲: ۱۱۲-۸۷ منتشر شده است.

۱۳- محمد مؤمن بن میرزا محمد زمان تنکابنی، مشهور به حکیم مؤمن، از پزشکان قرن دهم هجری، و طبیب مخصوص شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ هـ) بود. او را کتابی است فارسی به نام تحفه مؤمن، مشهور به تحفه حکیم مؤمن، که در آن اطلاعاتی از منابع گوناگون طبی عربی، فارسی و غیره، گرد آورده و تجربه های گذشتگان و مشاهدات خود را در مورد ویژگیهای داروها و طرز کاربرد آنها به هم درآمیخته است. این کتاب قریب به سه قرن مورد استفاده مستمر پزشکان بوده و چاپهای سنگی متعددی از آن موجود است. عکس چاپ سنگی ۱۲۷۷ هـ تحفه حکیم مؤمن، با مقدمه دکتر محمود نجم آبادی به چاپ رسیده است (تهران و قم: مصطفوی، ۱۳۳۸، ۱۳۴۵ ش).

۱۴- سید محمد حسین عقیلی علوی خراسانی از پزشکان معروف قرن دوازدهم هجری است. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست، جز آنکه تبارش از خراسان و وطنش شیراز بوده و در هندوستان سکونت داشته، و در سال ۱۱۹۵ هـ در قید حیات بوده است. از وی دو

اثر مهم در داروشناسی به جا مانده است: **مخزن الادویه**، در مفردات طبی، که در سال ۱۱۸۳ هـ تالیف شده و تا کنون دوبار به چاپ رسیده است؛ و دیگر **مجمع الجوامع و ذخائر التراکیم**، مشهور به **قرابادین کبیر**، در ادویه سرکبه، که تا کنون هفده بار چاپ شده است. از جمله چاپی عکسی تحت عنوان **قرابادین کبیر**، با مقدمه سیداحمد روضاتی اصفهانی بر اساس چاپ سنگی ۱۲۷۷ هـ (تهران: محمودی، تاریخ مقدمه ۱۳۴۹). از **مخزن الادویه** نیز چاپی عکسی، بر اساس چاپ بسیار نفیس ۱۲۶۰ هـ. کلکته منتشر شده است (تهران: ۱۳۵۵)، توزیع سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی).

بخش دوم. ارزیابی منابع

در این جا لازم است بر دو نکته تاکید شود. نکته اول اینکه نگارنده جمع آوری کتابهای تاریخ پزشکی و داروسازی را ضرورتی غیرقابل اجتناب برای مجموعه سازی جامع در کتابخانه های پزشکی، داروسازی و علوم می داند. زیرا، با تکیه برگفته دکتر عبدالحسین زرین کوب، اعتقاد دارد که در همه حوزه ها شناختن تاریخ به انسان کمک می کند تا «خود را بشناسد» و از دیگران تمیز دهد؛ ولیز اینکه پیوند با زندگی گذشته، حیات امروز او را «پر معنی تر و عمیقتر می کند» (عبدالحسین زرین کوب، **تاریخ درقرازو**، ۱۳۶۲: ۱۸). نکته دیگر اینکه آثار معرفی شده در گفتار حاضر، مهمترین منابع چاپی فارسی در زمینه پزشکی و داروشناسی، از قرن سوم تا دوازدهم هجری را، در برمی گیرد.

باتوجه به این دو نکته، این سوال مطرح است که آیا با قرار دادن این مجموعه آثار در کتابخانه، دانشجوی علاقه مند به تاریخ علم «خود را می شناسد»؟ گذشته فرهنگی این سرزمین برای او به صورت «پرمعنی و عمیق» جلوه می کند؟ پاسخ نگارنده به این سوال منفی است. مجموع آثار مورد بحث به عنوان یک تن واحد، قادر به ایجاد پیوند پویا و فعال بین خواننده اسروزی و آثار کهن، به بیان دیگر بین حال و گذشته نیست. فراهم آوردن زمینه مساعد برای برقرار کردن این پیوند یا رابطه با گذشته تلاشی بیش از به خاطر سپردن نام چند دانشمند یا چند اثر می طلبد، احتیاج به برنامه ریزی دقیقی دارد که از حوصله این مقاله و از بضاعت نگارنده خارج است. تنها به این نکته توجه داده می شود که در ارائه و نشر آثار گذشتگان دو شیوه اسروزی وجود دارد که در صورت رعایت آنها تا حدوی به پیوند با گذشته کمک خواهد شد. این دو شیوه عبارتند از نهادن مقدمه ای گویا و مؤثر در شناخت بهتر اثر، و افزودن فهرستهای راهنما برای دستیابی آسانتر به محتویات آثار.

در «مقدمه»، مصحح یا مترجم ضمن بیان سطلابی از خود کتاب، جذابیت، ارزش و اهمیت اثر را به سادگی و با توجه به آنچه برای خواننده این زمان پرمعنی و قابل تأمل است بازگو می کند. در حقیقت مقدمه خوب موجب احیای اثر و نهادن آن در مسیر جریان فرهنگی

کنونی است. آثار فوق‌الذکر را، از لحاظ وجود و نقش مقدمه می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول شامل آثاری است که پزشکان بر آنها مقدمه نوشته‌اند، مانند مقدمه‌های دکتر عبدالعلی علوی، دکتر محمود نجم‌آبادی و دکتر جلال مصطفوی که اغلب مقدمه‌هایی طولانی و تکراری‌اند. گروه دوم شامل آثاری است که آنها را ادیبان و کتابشناسان تصحیح کرده‌اند و بر آنها مقدمه نوشته‌اند، مانند آثاری که دکتر منوچهر امیری، دکتر جلال ستینی، دکتر برات زنجانی، ایرج افشار، دکتر منوچهر ستوده و دکتر غلامحسین یوسفی برای چاپ آنها اقدام کرده‌اند - با مقدمه‌هایی جالب برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، اما، احتمالاً، بدون کشش برای دانشجویان تاریخ علم. برخی از مصححان نیز به این کاستی توجه کرده‌اند، از جمله سعیدی سیرجانی، که می‌نویسد: «باید پزشک آشنا به طب قدیمی با ادیب و لغوی مسلط بر شیوه تصحیح همکاری کند (ذخیره عکسی: ۹). طبعاً دست‌آورد این همکاری هم در تصحیح و هم در مقدمه بسیار مفید و معتتم خواهد بود. گروه سوم شامل آثار بدون مقدمه است (یادداشت‌های کوتاه بر چنین متونی را نمی‌توان «مقدمه» تلقی کرد). از جمله این آثار می‌توان از **قانون** (۱۳۶۶)، **ذخیره** (چاپ عکس)، **اغراض الطیبه، قرابادین کبیر، و مخزن الادویه** نام برد. «فهرست‌های راهنما» نیز که در انتهای اثر می‌آیند، برای برقرار کردن رابطه میان خواننده و متن اثر از اهمیت خاصی برخوردارند. این گونه فهرست‌ها یا نمایه‌ها با نشان دادن صورتی از موضوعها و واژه‌های مهم، نام افراد، کتابها، جایها، وغیره، ضمن اینکه مراجعه‌کننده را به صفحه مورد نظر راهنمایی می‌کنند، خطوط کلی محتوای اثر را نیز تا حدودی برای خواننده بازمی‌کنند. فهرست راهنما در حقیقت فهرست تفصیلی و نظام یافته‌ی سنجرات کتاب است. دوازده اثر از بیست و سه اثر در مجموعه مورد مطالعه دارای فهرست‌های راهنماست. البته جامعیت و کیفیت این فهرست‌ها یکسان نیست. جامعترین فهرست‌ها برای **ابیه، هدایه، دانشنامه و مفتاح الطب** تهیه شده است. مصححان **صیدانه** علیرغم تهیه فهرست برای این کتاب، با انصاف کامل، معترفند «اگر فهرست بیمارها هم افزوده می‌شد بهتر بود» (**صیدانه**: ۱۰۳۵).

آنچه به صورت جدی باید بر آن تأمل کرد، وضع آثار بدون فهرست راهنماست. این آثار را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه نخست، شامل چاپ‌های عکسی از نسخ خطی است، از جمله **قانون** (کتاب اول)، **ذخیره و اغراض الطیبه**. نگارنده از کم و کیف تدوین فهرست‌های راهنما برای کتاب **قانون** بی‌اطلاع است ولی برای دواثر اخیر، هر دو از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، نشر فهرست‌های راهنما در جلدهای دوم این آثار وعده داده شده است. با توجه به ادغام بنیاد فرهنگ ایران در مرکز مطالعات و تحقیقات علمی و فرهنگی باید امیدوار بود که این مرکز در نشر مجلدات تکمیلی این آثار توفیق یابد.

گروه دوم شامل عکسهای آثار چاپ سنگی از جمله **تحفه حکیم مؤمن**، **مخزن الادویه** و **وقر ابادین کبیر** است. استفاده از این ستون بدون فهرستهای راهنما برای خواننده امروزی تقریباً غیرممکن، یا بسیار مشکل و وقتگیر است. در اینجا شاید بی‌مناسبت نباشد اگر اشاره کنیم که استفاده از دستگاههای عکسبرداری (افست)، بدون درک صحیح از جامعیت و ارزش فرهنگی اثر، برای بعضی از ناشران تنها جنبه تجارتنی پیدا کرده است.

گروه سوم، شامل آثار چند جلدی است که چاپ آنها به طول می‌انجامد. مثلاً ترجمه جدید **قانون**، در پنج جلد، که توسط انتشارات سروش منتشر شده است. افزودن فهرستهای راهنما به هریک از مجلدات کارآیی این آثار را به مراتب بیشتر می‌کند. با توجه به کندی کار نشر در ایران، توجه به خود کفایت کردن تک‌تک آثار اهمیت بسیار دارد. نگارنده امیدوار است ناشر در تهیه فهرست راهنمای این مجموعه آن چنان که وعده داده شده است (کتاب پنجم: شش) توفیق یابد. امید است، با توجه به مشکلاتی که در این بخش مطرح شد، گوشه‌ای از مشکلات ناشی از نبودن ضوابط دقیق علمی در جامعه فرهنگی ایران بیان شده باشد. شاید تأسیس مرکزی برای پژوهش در تاریخ علم در ایران راهی برای احیای گذشته فرهنگی این سرزمین بگشاید. البته به شرط آنکه برای آن برنامه‌ای صحیح و دقیق فراهم شود و کمکهای لازم در اختیار آن قرار گیرد. و از این طریق در علاقه‌مندان شوقی برای چاپ یا تجدید چاپ آثار نایاب، تکمیل آثار ناقص و نشر آثار جدید، با کیفیت مطلوب ایجاد گردد. تنها با این گونه تلاشها می‌توان به ایجاد پیوند بین امروز و دیروز امیدوار بود.

بخش سوم. پیشنهادها

- ۱- علی‌رغم همه کاستیهای موجود، برای تشکیل بخش منابع تاریخ پزشکی و داروشناسی در کتابخانه‌ها، کوشش شود. خارجیان تحقیقات گسترده‌ای در حوزه پزشکی و داروشناسی ایرانی-اسلامی انجام داده‌اند و سزاوار آن است که هر مجموعه جامعی کتب و مقالات نوشته شده به زبانهای مختلف را دارا باشد.
- ۲- آثار مربوط به تاریخ پزشکی و داروشناسی به صورت مستمر در نشریات تخصصی و جزوه‌های معرفی تازه‌های کتابخانه، درج و معرفی شوند.
- ۳- گروههای کار-باشرکت اعضای هیأت علمی دانشگاهها، دانشجویان رشته‌های علوم، علوم انسانی، علوم پزشکی، و کتابداران - جهت تدوین فهرستهای گوناگون راهنما برای کتابها تشکیل شود. در این گونه موارد، پس از توجه و تسلط به سوازمین خاص در نمایه‌سازی می‌توان ذخیره و بازیابی اطلاعات را از طریق کامپیوتر تجربه کرد.
- ۴- گروههای کار-باشرکت اعضای هیأت علمی دانشگاهها، و دانشجویان رشته‌های

علوم، علوم انسانی، علوم پزشکی، و کتابداران-جهت تدوین فرهنگ بیماریها، داروها، اصطلاحات پزشکی و غیره تشکیل شود.

۵- فهرست و کتابشناسی حتی المقدور کاملی از آثار خطی و چاپی پزشکی و داروشناسی فارسی و تحقیقات انجام شده در مورد مؤلف یا خود آثار تدوین شود و، به ویژه، در اینجاست که کتابدار می تواند، با کمک متخصصان، دریچه پژوهشهای جهانی را بر روی علاقه مندان به این مسایل باز کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی